

## ساسانیان سیر تمدن‌ها به شرق

• شهناز حجتی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران



■ اسواران ساسانی

■ دکتر کاوه فرخ

■ ترجمه یوسف امیری

■ مشهد، گل آفتاب، چاپ اول، تعداد صفحات: ۱۶۵

تهدید دائمی مرزهای غربی و شرقی امپراطوری ساسانی از سوی رومیان همیشه متجاوز و جنگاوران هون و ترک، ایجاد و توسعه‌ی نیروی سواره‌نظام سیار، آموزش‌دیده و حرفه‌ای را می‌طلبید که بتواند در کوتاه‌ترین زمان خود را به نواحی مرزی برساند.

نیروی عمده‌ی سپاه ایران، سواره‌نظام زره‌پوش و سنگین‌اسلحه، مرکب از نجیب‌زادگانی بود که در جنگ حائز مقام اول بودند. اسواران به‌واسطه‌ی قدرت فرماندهی و مهارت جنگی پادشاهان نخستین حکومت ساسانی بسیار کارآمد و ورزیده بودند. این ارتش به‌واسطه‌ی کسب پیروزی‌های بی‌شمار درمقابل امپراطوری روم و گاه اقوام نیمه‌بدوی شرقی در دنیای آن‌زمان، حیثیت فراوان به‌دست آورده بودند. این پیروزی‌ها بیشتر مرهون تحرک، مهارت، قدرت، شجاعت، تاکتیک‌ها و انضباط دقیق اسواران بود. ساسانیان افواج منظم سواره‌نظام را با صفوفی چنان انبوه به مقابل رومیان می‌فرستادند که از برق زره و سلاح آن‌ها چشم دشمنان خیره می‌شد. اینان مانع سیاست‌های تجاوزکارانه‌ی روم امپریالیست در مرزهای شرقی‌اش می‌شدند و نقش سپر و ضربه‌گیر را برای تمدن‌های شرق داشتند. با اضمحلال قدرت سیاسی ساسانی، اکثریت اسواران به‌خدمت نظامی مسلمانان درآمدند و به همکاری با امیران عرب در ادامه‌ی فتوحاتشان پرداختند. اسواران در جامعه‌ی اسلامی با نام‌های مختلفی چون، بنواحرار، اساوره، جوانمردان و عیاران خوانده می‌شدند و برای جامعه و فرهنگ عرب حامل صفاتی چون دلیری، بردباری، آزادی و جوانمردی بودند. اسواران کانالی بودند که از طریق آن‌ها فرهنگ والای ایرانی به جهان اسلام معرفی و منتقل شد.

ایجاد گروه‌های نظامی عیاران در قرون اولیه‌ی اسلامی با صفات اخلاقی ممتاز، زاینده‌ی شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن زمان است که ریشه در ایران باستان دارد و اخلاف همین اسواران و یا نخبگان نظامی ساسانیانند.

این کتاب حاصل مطالعات و پژوهش‌های هیجده‌ساله‌ی دکتر کاوه فرخ در زمینه‌ی ارتش‌های ایران باستان، به‌ویژه ارتش ساسانیان است. وی دکترای خود را از دانشگاه بریتیش کلمبیای کانادا دریافت کرده و هم‌اکنون در همین دانشگاه مشغول تدریس است.

در پیش‌گفتار این کتاب، به‌صورت کوتاه و مختصر و با استناد به پژوهی ساسانی‌کای تورج دریایی، مترجم نکات برجسته و ممتاز تاریخ حکومت ساسانیان را برشمرده است و به نقش، سهم و تأثیر ساسانیان در تمدن‌های

یکی از مهم‌ترین تغییرات بود. دهقانان و اسواران بعد از ساسانیان، در پارسی کردن فرهنگ بدوی اعراب نقش به‌سزایی داشتند. (p127-1995-Zakeri) از دیگر اصلاحات انوشیروان حذف منصب ایران سپاهید و تقسیم ایران به چهار قسمت و سپردن هر قسمت همراه با یک چهارم ارتش به یک سپهبد بود و نهایتاً اسواران جایگزین سواره‌نظام سبک‌اسلحه و حقوق‌بگیر ثابت حکومت شدند.

در دربار خسرو، اسواران و پسران پادشاه طبقه‌ی اول را تشکیل می‌دادند. شاهنشاه ملازمان رکاب خود را از میان اسواران و اشراف بزرگ برمی‌گزید. (کریستن سن - ۱۳۷۵ - ص ۴۹۰)

**بخش سوم** به سلاح‌ها و تجهیزات اسواران می‌پردازد. انواع کلاه‌خودها همراه با تصویر بررسی شده‌اند. (ص ۲۴) کلاه‌خودهای اواخر دوره‌ی ساسانی پیشرفته‌تر از انواع خود در اوایل حکومت بودند. شمشیرهای متعلق به اوایل دوره‌ی ساسانی مشابه شمشیرهای اشکانیان بود که ویژگی‌های شمشیرهای اقوام شمال غربی ایران (سرمته‌ها) را داشت. در پایان دوره، تغییرات و اصلاحاتی در این گونه شمشیرها و نیام‌های آن‌ها اعمال شد تا کارایی بالاتری داشته باشد. استفاده از نیزه نیز معمول بود. گرز نیز برای خرد کردن زره رقیب به کار می‌رفت و تازیانه برای به دام انداختن گردن رقیب و پایین کشیدن وی از اسب. استفاده از تیر و کمان نیز معمول بوده و زمانی موفقیت‌آمیز بوده است که چهار شرط داشته باشد: قدرت نفوذ، سرعت رسانش، حجم تیرهای پرتاب شده و دقت شلیک.

اسواران اولیه‌ی ساسانی به‌خاطر استفاده از زره‌های پیشرفته در میدان نبرد سپر به کار نمی‌بردند؛ اما در اواخر دوره‌ی ساسانی برای دفع تیرهای جنگاوران هون از سپر استفاده می‌کردند. پیاده‌نظام سنگین، کمانداران پیاده و محاصره‌کاران نیز سپر به کار می‌بردند.

استفاده از چهار نوع زره معمول بود که تفاوت آن‌ها در نوع ساختشان بوده است. برای حفظ تعادل سوارکاران سنگین و زره‌پوش زین ساخته شد تا قدرت سوارکار را افزایش دهد مطابق با شواهد، در اواخر دوره‌ی ساسانیان از رکاب استفاده می‌شد. برگستوان یا زره تیغی برای اسب به‌خاطر نیاز منطقی به حفاظت اسب در برابر تیرهای دشمن ساخته شد. این ضرورت در نهایت منجر به اختراع تن‌پوش زرهی برای اسب توسط ایرانیان گردید.

**بخش چهارم** به جامه، درجه و نشان‌های اشرافی اختصاص دارد. ساسانیان در بدو امر، طرح یونیفورم‌های خود را از هخامنشیان الهام گرفتند اما تشابه فراوان جامه‌های ساسانی با جامه‌های اشکانی، نشان از حضور اشرافیت اشکانی در دستگاه حکومتی ساسانی دارد.

هرکدام از یگان‌های اسواران، پرچم جنگی و نشان اشرافی خود را داشت که به آن درفش می‌گفتند. تصویر پانزده نشان اشرافی، شش درفش و سیزده نشان نظامی آمده است (ص ۵۵ و ص ۵۷ و ص ۵۹)

اسواران و اشراف نظامی مهربایی مخصوص به‌خود داشتند که یا به‌صورت مدال به گردن اسب می‌آویختند و یا به‌صورت داغ بر تن اسب می‌نهادند و یا بر روی شانه‌ی نظامیان نصب می‌کردند (ص ۵۴) منبع مؤلف برای شناسایی این نشان‌ها برخی از نقش‌برجسته‌های دوره‌ی ساسانی، برخی منابع رومی و شاهنامه فردوسی است.

عنوان **بخش پنجم**، نیروهای کمکی و پشتیبانی است. عده‌ی کثیری از ارتش ساسانی پیادگان بودند و از بین روستاییان انتخاب می‌شدند. اینان

معاصر خود و حکومت‌های بعد از خود اشاره کرده است. وی هدف خود را از ترجمه‌ی این کتاب، پاسخ به این سؤال می‌داند که چرا ساسانیان در پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی نادیده گرفته می‌شوند و نیز دادن آگاهی‌های بیشتر در خصوص نقش ایران باستان به‌طور اعم و ساسانیان به‌طور اخص در تمدن‌های جهانی در زمینه‌های نظامی. این کتاب اولین کار پژوهشی است که منحصر به امور نظامی می‌پردازد.

نکته‌ی قابل توجه در این کتاب، استفاده از تصاویر تاریخی از چند نقاشی رنگی در خصوص تاریخ ساسانیان استفاده کرده است. خالق این نقاشی‌ها، **آنگس مک‌براید** از مشهورترین تصویرگران تاریخی و تخیلی در جهان است. هدف از آوردن این نقاشی‌ها بازنمایی جزئیات و ریزه‌کاری‌های تاریخی و پژوهشی است.

در پایان کتاب بعد از کتاب‌شناسی اصلی و فرعی، بخشی به شرح تصاویر رنگی اختصاص داده شده. آن‌چه در این تصاویر مورد توجه قرار گرفته، انواع پوشش‌ها، زینت‌ها، تاج‌ها، سلاح‌ها، نشان‌ها و پرچم‌ها و منصب‌هاست که برگرفته از منابع کتبی و یا بازسازی شده مطابق نقش‌برجسته‌ها و آثار موزه‌هاست. در قسمت پایانی کتاب اطلاعات مختصری راجع به دکتر کاوه فرخ و آنگس مک‌براید آمده است.

در **بخش اول** کتاب، تحت عنوان خاستگاه اسواران، صحبت از نحوه‌ی شکل‌گیری اسواران در طول ایران باستان شده است. در ابتدا اقوام خوارزمی - ماساگتی برای حفظ موجودیت خود سواره‌نظام سنگین را به‌عنوان یک راهکار تاکتیکی در برابر سواره‌نظام و تیراندازان سریع و چابک استپ‌ها برگزیدند. این امر مورد اقتباس هخامنشیان قرار گرفت، ضمن این‌که این افراد می‌بایست متعلق به طبقه‌ی اشراف می‌بودند. سپس اسکندر تاکتیک یک نیروی مسلح به‌تمامی مجتمع متشکل از پیاده‌نظام و سواره‌نظام را به کار گرفت. سلوکیان یگان‌های سواره‌نظام سنگین به سبک هخامنشیان را به ارث بردند. اشکانیان مشابه خویشاوندان سکایی خویش سواران سبک‌اسلحه را به شیوه‌ی کارآمد و ساده به خدمت گرفتند. ساسانیان ضمن به کارگیری سنت نظامی اشکانیان، که در آن سواره‌نظام به‌عنوان محور اصلی نیروهای مسلح قرار می‌گرفت، تغییرات عمده‌ی تاکتیکی و فناورانه به آن افزودند. (ص ۷)

ایرانیان به سواره‌نظام بیش از سایر قسمت‌ها اعتماد داشتند؛ زیرا در آن صنف، همه‌ی نجبا و اشراف خدمات بسیار دشوار انجام می‌دادند و چه امتیاز آن از سایر صفوف سپاه، نظم و انضباط و تمرینات دائم و اسلحه‌ی مکمل آن‌ها بود. (کریستن سن - ۱۳۷۵ - ص ۲۹۵)

ماشین نظامی ساسانیان ثابت کرد که همگن روم است و این حقیقت ناخوشایندی بود که رومیان مجبور به پذیرش آن شدند. (ص ۹)

**بخش دوم** کتاب عنوان سازمان ارتش و اصلاحات ساسانیان دارد. اسواران ساسانی از بین سه طبقه انتخاب می‌شدند: هفت دودمان برتر، اشراف یا آزادان و اشراف فروتر یا دهقانان، اسواران در سه قسمت بزرگ سازماندهی می‌شدند، گند برابر با یک لشکر منظم بزرگ، درفش یگان کوچک‌تر و وشت یک گروهان کوچک تقسیمات دیگری نیز بود چون **جاویدان**، **پشتیگان**، **گیان اوسپار**، **خسروگان** و **پیروزان** که هرکدام در زمان جنگ و صلح وظایف خاص خود را داشتند. عناوین نظامی با وظایف مشخصی هم وجود داشت.

اصلاحات خسرو انوشیروان تغییرات بسیار اساسی در سیستم نظامی ساسانیان به‌جای گذاشت. ورود دهقانان یا اشراف فروتر به دسته‌ی اسواران

به عنوان پادو، وظایفی چون حمله به دیوار دژها، خندق سازی و تخلیه ی نقب داشتند. بلیزاریو، سردار بیزانسی درباره ی پیاده نظام چنین می گوید: «جماعتی دهقان فقیرند که به دنبال سپاه نمی آیند، مگر برای این که دیوارها را خراب و اجساد کشتگان را برهنه کنند و اسواران را خدمت نمایند.» (کریستن سن - ۱۳۷۵ - ص ۴۸۹) و یا: «از آن جا که کاری از ایشان ساخته نبود، مزد نمی گرفتند» (محمودآبادی - ۱۳۷۸ - ص ۲۲۹)

پیاده نظام سنگین اسلحه متشکل از مادها و دیلمیان بود که به مهارت و سرسختی مشهور بودند. چهار هزار نفر سرباز دیلمی حین فتح ایران به اعراب پیوستند. آن ها به عنوان شرطه در کوفه ساکن و حافظ نظم آن جا شدند. (احامره) (p192- 1995 - zakeri) کمانداران پیاده قسمت دیگری از سپاه بودند که وظیفه ی اصلی آن ها ضعیف ساختن دشمن، پشتیبانی اسواران و خسارت وارد نمودن به صف کمانداران و پیاده نظام دشمن بود. تیر و کمان و زوبین، سلاح سواره نظام سبک بود افراد این گروه ایرانی و گاه از اقوام غیر ایرانی تشکیل می شد.

**بخش ششم** کتاب در مورد توسعه ی تاکتیکی ارتش اسواران در ایران باستان است که شامل سه مرحله بود: ۱- وجود سواره نظام سنگین با پشتیبانی سواره نظام سبک اسلحه ۲- ایجاد سواره نظام ابر سنگین ۳- پیدایش سواره نظام همه کاره

در میدان نبرد کل ارتش به پنج یگان تقسیم می شد ۱- صف اصلی اسواران ۲- صف پشتیبانی پیاده نظام سنگین ۳- ۴- دو جناح چپ و راست کمانداران ۵- یگان ذخیره از اسواران

بیشترین حملات از جانب جناح راست به سمت جناح چپ دشمن صورت می گرفت و چنانچه جناح چپ دشمن منهدم می شد، امکان محاصره ی سپاه دشمن وجود داشت.

استراتژی اصلی جنگ ساسانیان حمله پیچیده ی سه موجی بود. موج اول تازش اسواران به سمت دشمن و بازگشت سریع؛ موج دوم حمله ی کمانداران و موج سوم حمله ی مجدد اسواران. این تغییر سریع امواج به دشمن اجازه ی سازماندهی و آرایش مناسب سپاه را نمی داد، ضمن این که ساسانیان تأکید فراوانی به عملیات شناسایی و دستورهایی برای استتار داشتند. کمین نخستین کنش حمله ی سریع به مرکز نیروهای دشمن بود، از خندق هم به عنوان تله استفاده می کردند.

وجود دو دژ یا پایگاه نظامی مهم در نواحی مرزی شرق و غرب ساسانیان، در نیوشاپور و نصیبین، همراه با سنت نظامی استپ یعنی عقب نشینی ظاهری همراه با ضدحمله، تاکتیک موفقیت آمیزی بود که ساسانیان از آن در مرزهای شرق و غرب بهره می بردند. ساسانیان فناوری برجسته دژهای خود را با موفقیت با روش های ثابت شده جنگ استپ ترکیب کردند. (ص ۹۸) در پایان بخش به نقاط ضعف نظامی ساسانیان که مربوط به پایگان، تکنیک تاخت از جلو اسواران و فرار سربازان از میدان نبرد است، اشاره می شود.

**بخش هفتم** تحت عنوان اسواران در نبرد، به برخوردها و جنگ های ساسانیان با امپراطوری روم و اقوام شرقی می پردازد. سه جنگ میسیخیه، باربالسیوس و ادسای کارای (۲۴۴ تا ۲۶۰ م). با توجه به گفته ی شاپور اول در کتیبه ی زردشت، سزار از تمام روم نیرو گرد آورد. بازسازی سواره نظام رومی بر اساس اسواران، در زمان کنستانتینوس (۳۳۷-۳۶۱م) اتفاق افتاد. نبرد مارنگا (۳۶۳م) زمان شاپور دوم با بولیانونس، نبرد کالینیکوم زمان قباد (۵۳۱م)

جنگ های پیروز با هون های هفتالی و شکست او (۴۸۴م) پاسخ ساسانیان به تهدید ترکی - هونی عبارت بود از دگردیسی سلحشوران آبرسنگین به سواره نظام ترکیبی تر یا همه کاره (ص ۱۲۶) شکست ترک ها و هون ها به دست بهرام چوبینه (۵۸۸م) و سمبات بگراتونی (۶۱۹م) در واقع اقدام این دو سردار به طور مؤثری مرزهای شرقی ایران را تا زمان ورود اعراب آرام کرد. جنگ های ۲۵ ساله خسرو دوم با بیزانس (۶۰۲ تا ۶۲۸م) تلفات نظامی، هر دو امپراطوری را به طور مرگباری ضعیف و راه را برای تهاجم اعراب در کم تر از ده سال هموار کرد. در پایان، شکست و دلایل شکست ساسانیان از اعراب (۶۳۷ و ۶۴۱م) بررسی می شود.

اسواران پس از فروپاشی قدرت سیاسی ساسانیان در زمان اعراب بنی امیه، از دید آن ها متعلق به نژاد فروتر و یا طبقه ی دوم و فاقد هرگونه امتیاز اجتماعی بودند. رفتار اعراب رفتاری درخور آن ها نبود. با جایگزینی طبقه ی نظامی اعراب به جای اسواران با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، طبقه ی نظامی ساسانی منبع بی نظمی، اختلال، آشوب و تهدیدی برای صاحبان قدرت شد و به محض شروع تبلیغات عباسیان، به حمایت از آن ها پرداختند. (Zakeri 1995-p11-12)

#### برخی نکات در مورد کتاب

- ۱- استفاده ی غیرمستقیم مؤلف از منابع بیزانسی، ارمنی و سریانی در باب امور نظامی؛
- ۲- استنباط جزئیات نظامی از نقش برجسته ها و یافته هایی از شهر دوراوریوس و سایر نقاط؛
- ۳- آوردن مصداق ها و نمونه های تاریخی در تکمیل اطلاعات نظامی هر بخش؛
- ۴- آوردن تصاویر تاریخی مربوط به نقش برجسته ها همراه با معرفی و جایگاه آن ها؛
- ۵- آوردن تصاویر تاریخی نظامی مربوط به دوره ی ساسانی و روم از موزه های هرمیتاژ، بریتانیا و لوور؛
- ۶- دادن اطلاعات دست اول در بخش ۶ و ۷ اما استفاده ی زیاد از کلمات: شاید، امکان دارد و ممکن است در تجزیه و تحلیل جنگ ها. ضمن این که جنگ های دوره ی خسرو اول (۵۴۰-۵۵۵ م) از قلم افتاده است؛
- ۷- استناد به کتاب وقایع خوزستان بدون هیچ ارجاع و توضیحی؛
- ۹- بررسی معانی برخی واژه ها با توجه به ریشه ی لغوی آن ها از سوی مترجم؛
- ۱۰- دادن توضیحات تکمیلی در مورد اقوام، اشخاص، اماکن، شهرها و اصطلاحات در پاورقی از سوی مترجم با ذکر منابع آن در پیش گفتار.

#### منابع

- ۱- کریستن سن، آرتور؛ ۱۳۷۵: ایران در زمان ساسانیان، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- ۲- محمودآبادی، سید اصغر، ۱۳۷۸: تاریخ فرهنگ سیاست در ایران باستان، چاپ اول، اهواز، انتشارات مهیار.
- 3-Zakeri, mohsen, 1995, Sasanid soldiers in early Muslim society the origins of Ayyaran and Futuw-WIESBADEN HARRASSOWITZ